

تاریخ: ۵۸/۴/۱۲

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و عشایر استان فارس و کهگیلویه

بسم الله الرحمن الرحيم

فقر و محرومیت موجود در جامعه، میراثی برجای مانده از رژیم منفور پهلوی اشکال حالا این است که هر طایفه‌ای گمان می‌کنند که همان‌ها محروم بودند و از همه آثار تمدن بی‌بهره، در صورتی که مساله اختصاص به عشایر شما ندارد، این مساله عمومی است که در همه ایران هست. اینطور نیست که فقط شما محروم هستید از این مدرسه و راه و سایر جهاتی که مربوط به زندگی است. همین تهران که مرکز است، شاید قریب (آنطوری که به من صورت داده‌اند) سی تا محله است که اینها از همه چیزهایی که برای زندگی یک فرد سالم هست، محرومند، آب ندارند، برق ندارند، بهداری ندارند. تهران، نه اینکه اطراف تهران، خود شهر، خود شهر تهران از این زانگه‌نشین‌ها و چادرنشین‌ها و کپرنشین‌ها، چادرنشین‌ها تقریباً (از قراری که گفته می‌شود) حدود قریب سی محله از اینها مرکب هست که در اثر به اصطلاح اصلاحات ارضی اینها کوچ کرده‌اند و آمده‌اند در اطراف شهر، در خود شهر، در اطراف شهر چادر زده‌اند و یک جایی کنده‌اند و آنجاها یک زندگی می‌کنند که زندگی آنها بسیار بدتر از زندگی عشایر است. خیال نکنید که جاهای دیگر در رفاه هستند و شما نه، مساله این بوده است که یک مملکتی را به آن عنایت نشده که هیچ، مثل این است یک دشمنی، یک مملکتی را بخواهد سلطه به آن پیدا بکند و مردم را از زندگی بازدارد و اشکال دیگر این است که آقایان گمان می‌کنند که اینطور اموری که از سابق بوده، از حالا که این مسائل نیست، مساله نداشتن برق و نداشتن آب و نداشتن راه و نداشتن بهداری و نداشتن همه چیز، اینها از اموری است که در رژیم سابق بوده است و حالا از رژیم سابق ارث رسیده، حالا چند ماه است که الان انقلاب هست و توی انقلاب ما هستیم. الان چهار ماه و نیم است که اینها رفته‌اند، این دزدها رفته‌اند و هر چه هم ایران داشته برداشته‌اند و رفته‌اند، هر چه می‌توانستند حمل کرده‌اند و هر چه نمی‌توانستند قرض کرده‌اند از بانک‌ها و بانک‌ها را چاییده‌اند و رفته‌اند و الان هم مانده است گردن دولت که باید مال بانک‌ها را بدهد. ما حالا قریب پنج ماه است که از دست این چپاولگرها نجات پیدا کرده‌ایم و یک مملکتی به دست دولت آمده است، به دست ملت آمده است که هیچ چیز ندارد، اقتصادش ورشکسته است، فرهنگش عقب مانده است، مناطق ایران از مرکز گرفته تا آخر آلبعضی مراکز، باقی‌اش مردم از همه آثار تمدن اینها محرومند و حالا هم بعد از اینکه یک آزادی پیدا شده است و آن زورها و فشارها برداشته شده

است، یک عده‌ای ریخته‌اند توی مردم و به عناوین مختلف چپاولگری یا می‌کنند یا شلوغکاری می‌کنند، چه آنهایی که انحرافات مسلکی دارند و چه آنهایی که انحراف مسلکی ندارند لکن از تئمه همان رژیم و از تئمه همان بساط هستند. همه جای ایران الان اینطوری است. خوب شما تصور می‌کنید که یک ایرانی که همه چیزش را بردند و خوردند و مانده است یک خرابه‌ای که نه اقتصاد صحیحی دارد و نه فرهنگ صحیحی دارد و نه ژاندارمری صحیحی دارد و نه ارتش صحیح دارد و نه هیچ چیز و نه الان هم آن که اداره می‌کند مملکت را خود مردم هستند که حفظ نظام و نظم را می‌کنند، شما تصور می‌کنید که بشود، امکان داشته باشد که فوراً این کارها همه درست بشود، همه چیزها یکدفعه صحیح بشود یا مسأله‌ای است که همه ماباید دست به هم بدهیم، دولت و ملت و این خرابه را بسازیم دولت به آن مقداری که قدرت دارد.

باید به مسئولین مملکتی که وارث خرابی است مهلت داد. شما خیال نکنید که دولت نمی‌خواهد بکند، دولت در صدد است، مشغول است. الان خانه‌سازی در اطراف ایران شروع شده است، راه‌سازی شروع شده است، اما یک ایران پهناور با نداشتن وسایل آنطوری که باید باشد، این لابد با تدریج باید درست بشود، یکدفعه نمی‌شود. شما خیال کنید که یکدفعه بعد از انقلاب بشود همه چیز را یک روز و دو روز و یک ماه و دو ماه و یک سال درست کرده؛ این نمی‌شود. اگر یک ناحیه بود، یک جا بود، ده جا بود، خوب می‌گفتند که این ده جا را به موقع درست کند اما یک مملکت است، یک مملکت پهناور بزرگ، همه چیزش را برده‌اند و مانده است یک مملکت بی‌چیز دست اینها. من باید بگویم به شما که باز هنر می‌کنند که اینقدر کار کرده‌اند. الان مشغول به رشته‌های مختلف برای تعمیر چیز هستند و از آن دورها شروع کرده‌اند که مبادا این زاغه‌نشینان همین جا بمانند و نروند سراغ زراعتشان، نروند سراغ کسبی که آنجا داشتند. در هر صورت همه این اموری که گفتید، صحیح است ما می‌دانیم اینها را لکن اختصاص به محل شما هم ندارد. از خوزستان هم که می‌آیند، همین حرف‌هایی که شما می‌زنید، می‌زنند درست هم هست. از هر جایی که از مملکت می‌آیند اینجا اجتماع که می‌کنند همین مسائل را می‌خواهند و می‌گویند، درست هم می‌گویند منتها خیال می‌کنند این همان محل خودشان است که اینطور است. بسیارشان می‌گویند که هیچ جا بدتر از محل ما نیست و حال آنکه برادرهای دیگر نیز هم می‌آیند و می‌گویند هیچ جا بدتر از محل ما نیست. راست می‌گویند، همه جا خراب است. قضیه بدتری نیست، همه جا بد است و اینطور نیست که دولت در فکر نباشد. الان یک دولت انتقالی متزلزل است، یک دولت مستقری ما الان نداریم، یک دولت انتقالی است. این دولت انتقالی را باید یک مقداری به آن مهلت داد که انتقال تحقق پیدا کند، جمهوریت استقرار پیدا کند، یک حکومت مستقری بیاید، یک مجلس صحیحی باشد و بعد از این آنوقت به فکر این کارها بیفتیم که باید البته اشخاصی که متعدی هستند، آسان است، آنوقت دیگر خیلی منم نیست اینها. شماها آن قدرت بزرگ را شکستید اینها دیگر چیزی نیستند. در هر صورت الان باید یک

مقداری مهلت داد. اگر راجع به خود این رژیم یک کاری شده بود، خوب حق بود که بگوئید که رژیمی آمده و ادغامی کند من رژیم اسلامی هستیم و دارد فساد می کند. اما اگر یک رژیم هست و آمده است و وارث یک مملکتی است که همه چیز آن را برده اند، خورده اند و برده اند، هم آن پدر برد جواهرات ایران را و مخازن ایران را منتها گیر انگلیس ها (از قراری که گفته اند) افتاد و هم این پسر برد. همه بانک های خارج را پر کردند از اموال دار و دسته اینها و هر چه هم آنجاها نتوانستند، از اینجا توانستند حمل کردند و بردند. هر چه هم امکان داشته است (از قراری که مطلعین می گویند) از بانک ها قرض کرده اند و برده اند مانده یک مملکتی که ندارد به طوری که بتواند. الآن همچو نیست که یک خزینه پری باشد و گذاشته باشند و نخواهند عمل کنند. یک خزینه خالی است نسبت به یک مملکتی. شما باید حساب کنید، بنابراین یک مقداری باید مهلت داد و همه اشکالاتی که شما می گوئید، اشکالات صحیح است.

نیاز به برقراری آرامش برای دفع آشوبگران و استقرار جمهوری اسلامی

ما می دانیم مطالب همین است که شما می گوئید، هم با قیمانده های رژیم سابق مانده اند و فساد می کنند و هم اشخاصی که انحراف دارند و از خارج الهام می گیرند دارند فساد می کنند و ما حالا باید همه دست به هم دهیم، کوشش کنیم که این حکومت دولت انتقالی منتقل بشود یعنی یک مملکتی بشود که یک حکومت مستقری داشته باشد. ما الآن رئیس جمهور نداریم، مجلس نداریم ما مجلس لازم داریم، رئیس جمهور لازم داریم. قانون اساسی نداریم، اساس یک مملکتی قانون اساسی آن است، رئیس جمهورش است، مجلسش است، دولت مستقرش است، ما الآن هیچ یک از اینها را نداریم. ما الآن اینها را الحمد لله بیرون کردیم لکن به جای او الآن ما یک چیز مشت پرکن نداریم، نیمه کاره است اینها. و الآن هم اگر شما خیال کنید که بخواهند مشغول بشوند به اینکه مثلاً آنهایی که شما می گوئید، دستشان را کوتاه کنند، یک آشوبی در یک حالی هست که آشوب بلند می شود، الآن برای مملکت شما آشوب ضرر دارد. الآن باید یک قدری آرامش باشد تا کارها راه بیفتد. اگر بخواهند با فرض کنید آشوبگری و با جلوگیری از اینها یک شدتی به خرج بدهند، این جز اینکه یک آشوبی بلند بشود و ما نتوانیم اصل این حکومت مستقری که در نظر است، این را برقرار کنیم. الآن باید یک قدری آرامش کرد - شما - پنجاه و چند سال شما صبر کردید و اعقابتان و آنهایی که جلوتر از شماها بودند در طول تاریخ شاهنشاهی تحت این فشارها و ظلمها بودند و شما هم هر چه یادتان است از این مسائل بوده است، هر چه یادتان است حبس بوده و گرفتاری بوده است و اینها و چاره ای نداشتید جز اینکه صبر کنید، حالا البته الحمد لله آزاد شدید، دست های آنها کوتاه شده است و کسی نیست که شما را بگیرد بشود حبس بکند، چه بکند، باقی مانده است یک دسته ای و تفاله ای از اینهایی که حالا خیال می کنند می شود یک ماهی از آب گل آلود گرفت. الآن اگر بخواهند (تنها عشایر شما که نیست، سرتاسر ایران است) اگر بخواهند الآن شروع کنند به اینکه اینهایی که دارند آشوب می کنند، سرکوبی بکنند، الآن اسباب این می شود که یک

اختلافاتی در همه ایران پیدا بشود. از آن طرف هم که دارند دامن می‌زنند به این اختلافات. در خود شهر تهران چقدر دامن می‌زنند به اختلافات، چقدر ایجاد اختلاف کرده‌اند، در سایر شهرها همین طور، در عشایر همین طور، در جاهای دیگر همه جا خرابکاران مشغول خرابکاریند که یک فرصتی پیدا بکنند و یک آشوبی درست بشود و نتوانید مملکت خودتان را چه بکنید و بگویند اینها مردمی هستند که آشوبگرند و اینها مردمی هستند که نمی‌توانند اداره بکنند و محتاج به این هستند که یک کسی بیاید و اداره اش بکند و خدای نخواستہ دوباره یک قلدری را بسیاورند بگذارند اینجا و بساط اول را برگردانند. باید یک قدری صبر کرد تا یک حکومت مستقر پیدا بشود و شما بدانید که الآن هم در همین حکومت انتقالی، اینها شب و روز مشغول این هستند که طرح بدهند برای اصلاح، برای اینکه درست بکنند، برای اینکه به حال مردم رسیدگی بکنند لکن مجال می‌خواهد اینطور نیست بشود یکدفعه، یک دولت انتقالی، دولتی که همه چیز را می‌بیند خراب است، یکدفعه بتواند درست کند، نمی‌تواند درست کند. نه اینکه نخواهند درست کنند، خیلی هم می‌خواهند، از خدا هم می‌خواهند که بتوانند چند روزه مسأله را درست کنند، مطلبی نیست که بشود. شما یک خانه وقتی که در یک جایی خراب بشود، بخواهید درست کنید ۶ ماه لازم است اگر همه چیز آن مهیا باشد اگر نباشد که هیچی. یک مملکت اینطوری است حالش، نه شما، همه جا، شما محیط خودتان را می‌بینید، می‌بینید گرفتاری‌ها چه هست و آن هم که از بختیاری می‌آید محیط خودش را می‌بیند، آن هم که از اطراف خراسان می‌آید محیط خودش را می‌بیند و از محیط دیگر خبر شنیده، آنجا را دیده، علناً دیده، عیناً دیده. باید قدری صبر بکنید آقا. الآن اگر بخواهید اینطور اختلافات را درست بکنید، همین نقشه‌ای است که اینهایی می‌خواهند، آنهایی که می‌خواهند ما را نگذارند یک حکومتی پیدا بکنیم، یک جمهوری اسلامی محقق بشود، همین‌ها دامن می‌زنند به اختلافات و اگر بنا باشد خودمان هم زیاد بکنیم اختلافات را، آنها از آن طرف دامن بزنند، سرحدات و مرزهای ما هم که از اطراف دارند اخلاگری می‌کنند، یک وقت یک مملکتی بشود که نشود سر و ته آن را به هم آورد، خدای نخواستہ نتوانید اداره کنید مملکتتان را و گرفتاری و مصیبت بار بیاید. یک قدری باید تحمل کرد، البته راه ندارید واضح است، آشوبگرها هستند آنجا، همه جا هستند. نمی‌دانم حمام و بیمارستان و اینها، از اول نداشتید حالا هم ندارید، ما هم می‌دانیم ندارید، خیال نکنید که نخواهند درست کنند، می‌خواهند و انشاء الله هم می‌شود اینها، اما یک قدری، یک قدری صبر، به اصطلاح اینها صبر انقلابی لازم است و این تحمل و صبر می‌خواهد که انشاء الله به تدریج این کارها درست بشود.

برای تثبیت نظام، باید به انتخاب اشخاص متعهد به اسلام همت گماشت
من از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که همه ما را در راه اسلام و در راه کشورمان - همه ما -
توفیق بدهد که همه ما در نظرمان این باشد که کمک کنیم و بسازیم این را. البته اینطور خرده
اشخاصی که از سابق مانده‌اند و اینها پایگاهی هم ندارند در بین مردم، اینها چیزهایی نیستند که قابل

باشند. اینها یکدفعه تمام می‌شود. اساس این است که این حکومت مستقر بشود. ما این مراحل را که الان توی راه هستیم، مراحل را که باید طی بکنیم، ما الان قانون اساسی ما را در دست رسیدگی است که رسیدگی به آن کنند. بعد هم اشخاصی را باید انتخاب کنید، خود شماها انتخاب کنید، انتخاب می‌کنید، یک اشخاصی که عالم باشند، اسلامی باشند، متعهد به اسلام باشند و اعتقاد به جمهوری اسلامی داشته باشند و ملی باشند، به چپ و راست گرایش نداشته باشند، یک همچو اشخاصی را خودتان که در بین خودتان البته هستند انتخاب می‌کنید و می‌فرستید برای اینکه قانون اساسی را ببینند. سرنوشت شما با قانون اساسی است، ببینند قانون اساسی را، بعد که قانون اساسی تصویب شد، مجلس شورای ملی را درست کنند، بعد هم رئیس‌جمهور و بعد از این آنوقت با جدیت این کارها را بکنند. الان دارند می‌کنند نه اینکه خیال کنید نمی‌کنند، الان مشغولند، هم خانه‌سازی را در اطراف ایران مشغول شده‌اند و دارند می‌سازند و هم پاکسازی را که انشاء الله می‌شود و خواهد شد و هم چیزها و راه‌ها را. اینها به فکر هستند و مشغولند و منتها کار بزرگ است، یک مملکت است، یک ناحیه نیست که زودی بشود اداره‌اش کرد، یک مملکت است، باید به تدریج درست بشود. انشاء الله خداوند همه شما را توفیق بدهد، موید باشید و همه‌مان برای اسلام انشاء الله کوشا باشیم، کار بکنیم و همه مادر سازندگی کمک بکنیم، کمک دولت را بکنیم و کمک اسلام را بکنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته